خرید آنلاین در gajmarket.com

قلمرو فکری ..... صفحهٔ ۱۳۳ کتاب درسی

۱ راوی داستان، چه چیزی را نشانهٔ تمدّن و تجدّد می‌دانست؟

واکس کفش، کارد و چنگال و عینک

۲ نحوهٔ برخورد خانواده و اطرافیان با شخصیت اصلی داستان را بررسی و تحلیل کنید.

اطرافیان بدون توجه به علّت بی‌نظمی شخصیت اصلی داستان که کم‌بینا بود، او را سرزنش می‌کردند.

۳ دربارهٔ نقش خودباوری و اعتماد به نفس در تعامل اجتماعی توضیح دهید. افرادی که اعتماد به‌نفس بیش‌تری دارند و به خودباوری رسیده‌اند، بهتر می‌توانند با دیگران تعامل داشته باشند.

روان‌خوانی (دیدار) ..... صفحهٔ ۱۳۴ تا ۱۳۹ کتاب درسی

«–آقایانِ محترم! علما! روحانیّونِ حوزه ها! با مغزهایتان با حکومت طرف شوید، با قلب‌هایتان با خدا. اینجا، حساب کنید، بسنجید، اندازه بگیرید، چُرتکه بیندازید؛ چرا که با چُرتکه اندازانِ بَدنهاد روبه‌رو هستید اما آنجا با قلب‌هایتان، با خلوصتان، با طهارتتان، تسلیمِ تسلیم با خدا روبه‌رو شوید. اینجا، به هیچ قیمت نشکنید؛ آنجا شکسته و خمیر شده باشید. اینجا، همه‌اش، در پرده بمانید؛ آنجا، در محضر خدا، پرده‌ها را بردارید...»

آقایان محترم، با عقل و درایت و دانایی با حکومت رفتار کنید ولی در پیشگاه خدا دل و احساس و عاطفه‌تان را به کار گیرید. در برابر حکومت حساب و کتاب داشته باشید؛ زیرا افراد حکومتی، حسابگران بدذاتی هستند، اما در برابر خدا خالصانه و پاک و با روحیهٔ تسلیم، حاضر شوید. هرگز در برابر حکومت خود را خوار نکنید ولی در برابر خدا فروتن و خاکسار و قابل انعطاف باشید. در برابر حکومت مراقب باشید و با سیاست و تدبیر رفتار کنید ولی در برابر خدا خالص و بی‌ریا باشید.

آرایه مغز: مجاز از درایت و دانایی / قلب: مجاز از احساس و عاطفه / چرتکه انداختن: کنایه از حسابگری / به هیچ قیمتی: کنایه از هرگز / شکستن: کنایه از تسلیم شدن و فروتنی / خمیر شدن: کنایه از فروتنی / در پرده ماندن: کنایه از تدبیر و سیاست / پرده برداشتن: کنایه از رفتار خالصانه و بی‌ریا

آقا روح‌الله جوان، دلش نمی‌خواست منبر برود اما دلش می‌خواست حرف‌هایش را بزند.

آرایه منبر رفتن: کنایه از موعظه کردن / دل: واژه‌آرایی / نمی‌خواست، می‌خواست: تضاد

آدمی‌زاد می‌توانست به نگاهِ آن یکی تکیه کند– همان طور که به یک بالش پَرتکیه می‌کند– و می‌توانست نگاهِ این یکی را در چلّهٔ کمان بنشاند و به سوی دشمن پرتاب کند.

در نگاه برادر امام خمینی (حاج آقا مرتضی پسندیده) آرامش وجود داشت و در نگاه امام خمینی (ره) خشم در برابر دشمن ظالم موج می‌زد.

آرایه تکیه کردن به چیزی: کنایه از داشتن آرامش و اعتماد / نگاه برادر امام خمینی مانند بالش پر: تشبیه / نگاه امام را [مانند تیر] در چلهٔ کمان می‌نشاند: استعاره

طلبهٔ جوان وارد اتاق آقای مدرّس شد؛ سلام کرد، قدری خمید و همان‌جا پای در نشست، که سوزِ برف بود و درزهای دهان‌گشودهٔ در.

آرایه درزهای دهان‌گشودهٔ در: جان‌بخشی / جا، پا - در، درز: جناس ناهمسان

@ipbooks